

## اجلاس ورشو و اپوزیسیون‌های بورژوائی جمهوری اسلامی

بیانیه وصیت‌گونه خامنه‌ای و ماجرای پنبه دانه

اجلاس موسوم به «ترویج صلح و امنیت در خاورمیانه» در روزهای ۲۴ و ۲۵ بهمن‌ماه در ورشو پایتخت لهستان برگزار شد. دولت آمریکا که ابتکار برپائی این اجلاس را در دست داشت، بالاترین مقامات سیاسی خود را پس از ترامپ به این اجلاس گسیل داشت. علاوه بر وزیر خارجه آمریکا، معاون ترامپ و مشاور ارشد وی، جرد کوشنر، نیز در این اجلاس شرکت کردند. گفته شد که بیش از ۶۰ کشور، نمایندگان در سطوح مختلف به این اجلاس فرستاده‌اند. وزیر خارجه آمریکا یک روز پیش از برگزاری اجلاس، هدف از برپائی آن را چنین توضیح داد: «ما درباره نقشه صلح خاورمیانه و تهدیدات ناشی از تروریسم و راه‌های مقابله با آن و درباره تعامل بین کشورها در آن منطقه صحبت خواهیم کرد. شخصت کشور و چهار وزیر خارجه شرکت خواهند کرد. ائتلاف جهانی خواهد بود که امیدواریم به اهداف مهمش که برطرف کردن سال‌ها مناقشه در خاورمیانه است، برسد.»

این ادعای مقامات آمریکائی که گویا هدف از این اجلاس، تلاشی برای صلح و امنیت خاورمیانه و مقابله با تروریسم بود به تمام معنی موهوم و مسخره است. چراکه دولت آمریکا همواره یکی از عوامل مهم در ایجاد فجایعی بوده است که مردم خاورمیانه از آن‌ها رنج می‌برند. امپریالیسم آمریکا همواره یک عامل مؤثر در تقویت ارتجاع منطقه خاورمیانه، اسلام‌گرایی و تروریسم، جنگ و بی‌ثباتی بوده است. اگر فقط

در صفحه ۳

## دستگاهی ستمگر و پاسدار جمهوری اسلامی

یک‌ماه از بازداشت مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان می‌گذرد، چهارمین جلسه به اصطلاح محاکمه هشت فعال محیط زیست نیز که پس از یک سال بازداشت از ۱۰ بهمن آغاز شده بود، چهارشنبه گذشته ۲۴ بهمن به صورت غیرعلنی برگزار شد. دو نمونه روشن از روش و نقش دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به عنوان بخشی از دستگاه سرکوب طبقه حاکم.

محاکمه هشت فعال محیط زیست در شرایطی آغاز شد که زندانیان محیط زیستی یک سال در بازداشت اطلاعات سپاه و در زیر شکنجه‌های جسمی و روحی قرار داشتند و براساس اعلام نیلوفر بیانی یکی از زندانیان محیط زیستی در جلسه "دادگاه"، آن‌ها در زیر شکنجه مجبور به اعترافات ساختگی شده‌اند، موضوعی که البته برای افکار عمومی کاملاً روشن و آشکار است. دادگاه آن‌ها نیز غیرعلنی اعلام شده و زندانیان از حق داشتن وکیل محروم هستند. به‌اصطلاح وکلای زندانیان محیط زیست، کسانی هستند که در لیست مورد تایید رئیس قوه قضاییه قرار داشته و همگی پیش از وکالت خود نقش بازجو و شکنجه‌گر

در صفحه ۸

## عملیات انتحاری در سیستان و بلوچستان و زمینه‌های شکل‌گیری آن

عصر روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۷ (۱۳ فوریه) یک اتوبوس نیروی‌های مرزبانی سپاه در سیستان و بلوچستان هدف یک حمله انتحاری قرار گرفت و در آن دست کم ۲۷ نفر از نیروهای سپاه پاسداران کشته و تعدادی نیز زخمی شدند. از همان ابتدای انتشار خبر این عملیات انتحاری، آمارهای متفاوتی در مورد تعداد تلفات آن گزارش شد. خبرگزاری ایلنا به نقل از منابع غیر رسمی تعداد کشته شدگان را بین ۲۷ تا ۴۱ نفر اعلام کرد. خبرگزاری فارس اعلام کرد، این انفجار دستکم ۳۰ کشته و ۱۰ مجروح برجای گذاشته است. قرارگاه قدس سپاه پاسداران نیز در بیانیه‌ای نوشت: "در این حمله انتحاری

در صفحه ۴

علی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در چهلمین سال حاکمیت ارتجاع اسلامی، بیانیه‌ای با عنوان "گام دوم انقلاب" انتشار داد. در این بیانیه، خامنه‌ای ضمن ادعای پیشرفت‌های عظیمی که در زندگی مردم تحت حاکمیت جمهوری اسلامی پدید آمده است، بر ادامه راه تائکونئی تأکید می‌کند. وی در عین آن‌که از "پیشرفت‌های خیره‌کننده" و "شگفت‌آور" و دستاوردهای ۴ دهه گذشته تعریف و تمجید می‌کند، برای حفظ این دستاوردها و ادامه راه طی شده، از "جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ" یاد می‌کند و راه‌ها و توصیه‌های مورد نظر خود را نیز ارائه می‌دهد. رهبر حکومت اسلامی در تمام متن بیانیه مطول خود، نسبت به وضعیت واقعی زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش، مطلقاً ساکت است و هیچ اشاره‌ای به آن نمی‌کند. حتی یکبار هم که شده حرفی از واقعیت‌های جاری و تنگناها و گرفتاری‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی که بر سر اکثریت مردم زحمتکش ایران آوار شده، نمی‌زند و نه فقط این، بلکه چنان تصویری از اوضاع بدست می‌دهد که تو گویی مردم ایران بعد از چهل سال، از بهترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برخوردار هستند، اوضاع آن‌ها از جمیع جهات رضایت‌بخش است و کارگران و زحمتکشان در رفاه و آسایش کامل. نه حرفی از بحران‌های متعدد جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و خارجی است، نه بحثی از بن‌بست و ناتوانی حاکمیت در برون رفت از آن، نه صحبتی از گرانی و بحران رکود تورمی و دشواری‌هایی که زندگی ده‌ها میلیون را به سیاهی و تباهی کشانده است و نه از تراکم نارضایتی‌های شدید که در اعتصابات کارگری و اعتراضات خیابانی سرریز می‌کنند!

از خامنه‌ای که رهبر حکومت اسلامی و نظامیست که آحاد جامعه را به فلاکت و بدبختی انداخته و نقش مهمی در وضعیت وخامت بار کنونی داشته است البته جز این انتظار دیگری نباید داشت. او مانند تمام دیکتاتورهای جهان، در بیانیه خود به مناسبت ۲۲ بهمن، نشان داد که برای حفظ نظامی که خود در راس آن است، برای تامین و حفظ منافع سرمایه‌داران و مرتجعین و مشتکی‌زد و انگل و برای آرام و عادی جلوه دادن اوضاعی که نه آرام است و نه عادی، از هیچ‌گونه دروغ و فریب و نیرنگی فروگذار نیست.

برخورد به تک‌تک موضوعات، دروغ‌ها و ادعاهای رهبر حکومت اسلامی از حوصله این

در صفحه ۲

## بیانیه وصیت‌گونه خامنه‌ای و ماجرای پنبه دانه

آن از بام افتاده است، در باب "جهاد بزرگ"، "برای ساختن ایران اسلامی بزرگ" و "تمدن نوین اسلامی" هم بیهوده‌گویی و خیال‌بافی می‌کند.

نیم قرن پیش محمدرضا شاه با جار زدن تمدن بزرگ شاهنشاهی سعی کرد نکبت و فقر و بدبختی و بی‌حقوقی مردم را در زیر غوغای تمدن بزرگ شاهنشاهی پنهان کند و تضمینی برای بقاء دیکتاتوری شاهنشاهی جستجو کند، امروز که فقر و فلاکت و بدبختی و بی‌حقوقی بسیار فراتر از آن دوران است، رهبر حکومت اسلامی بر این پندار است که می‌تواند این واقعیت‌ها و مصائب گوناگون و بی‌شمار اجتماعی را زیر پرده تمدن بزرگ اسلامی پنهان کند و راهی برای ابقاء نظم کهنه و ارتجاعی حاکم پیدا کند و این دست کم نشان‌دهنده این واقعیت است که دیکتاتورهای خام خیال همه از یک جنس‌اند. باید اضافه کرد که توده‌های مردم نیز دربرخورد به این روش‌ها و دیکتاتورها، شیوه‌های یکسانی اتخاذ می‌کنند و چنان که ارتجاع شاهنشاهی و خیال‌های شخص اول آنرا به گورسپردند، ارتجاع اسلامی همراه با خیال‌بافی‌های رهبران رانیز به گورخواهندسپرد.

بگذار رهبر شارلاتان حکومت اسلامی دروغ بگوید و به خدغه نیرنگ ادامه دهد. بگذار فقر و فلاکت و بدبختی توده‌های مردم را "پیشرفت‌های خیره‌کننده" و "شگفت‌آور" بخواند و بی‌شرمانه از آن اظهار شرف و شادی کند. بگذار در اطراف ادامه حیات ارتجاع حاکم و "تمدن اسلامی" راجی و خیال‌بافی کند، مردم ایران اما فریب این دروغ‌ها و خدعه‌ها را نخواهند خورد و نخواهند گذاشت خواب‌های شیرین خامنه‌ای تعبیر شود. کارگران، معلمان، بازنشستگان و عموم زحمتکشان و تهیدستان به پا خاسته‌اند. کارگران و زحمتکشان از خامنه‌ای و تمامیت رژیم ارتجاعی حاکم خسته شده و از آن متنفرند. آنان خواهان تغییر و تحول بنیادی‌اند. مصمم‌اند تمام مرتجعین و ستمگران و استثمارگران را از سر راه خود بردارند، شیشه عمر این بختک ۴۰ ساله را بر زمین بکوبند، خورد کنند و اداره امور کشور را خود در دست گیرند.

ادعاها، خدعه‌ها و توصیه‌های وصیت‌گونه خامنه‌ای قدرت فریب هیچ بخشی از توده‌های مردم را ندارد. مردم وقتی که سخنان خامنه‌ای در مورد "تمدن نوین اسلامی" و "ایران اسلامی بزرگ" و امثال آن را می‌شنوند یا می‌خوانند بلافاصله این ضرب‌المثل در ذهن‌شان متبادر می‌شود؛ "شتر در خواب بیند پنبه دانه، گهی لب لب خورد گه دانه دانه!"

و پرپر شده‌اند، نگفت سن تن فروشی به ۱۳ سال رسیده، نگفت ۳۵ درصد زنان تن‌فروش متاهل‌اند، نگفت جمعیت حاشیه‌نشین‌ها به ۱۶ میلیون رسیده که از ابتدایی‌ترین امکانات زیستی و بهداشتی محروم‌اند. ایلنا (۳/۴/۹۶) از قول سخنگوی ستاد مبارزه با مواد مخدر، آمار رسمی مصرف‌کنندگان مستمر مواد مخدر را ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر اعلام کرد. روز بعد از آن (۴/۴/۹۶) روزنامه "ایران" نوشت تعداد معتادان نسبت به ۵ سال قبل دو برابر شده است. خامنه‌ای از این "پیشرفت‌های خیره‌کننده" و "شگفت‌آور" هیچ نگفت. چنان‌که پیرامون وضعیت اسفبار کشاورزی و حضور هر روزه کشاورزان معترض و خانه خراب در خیابان‌ها و جاده‌ها، مساله آب و استفاده بی‌رویه از نخابر آبی، آلودگی هوا، نابودی جنگل‌ها و مراتع و دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و کل محیط زیست نیز هیچ نگفت! در عوض او اما از فساد و دزدی در دستگاه حکومتی دفاع کرد. خامنه‌ای در بیانیه خود نوشت "نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر بسی کمتر است و به حمدالله ماموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند". این ادعا در شرایطی مطرح می‌شود که فساد و دزدی سرتاپای حکومت را فرا گرفته است. اختلاس و دزدی و کلاهبرداری توسط مشتی دزد و غارتگر که با خود جزو مقامات حکومتی‌اند یا در همدستی با آن‌ها به اتفاق، سرگرم غارت و چپاول ثروت‌های اجتماعی هستند، به امری روزمره تبدیل شده است. انکار اختلاس و فساد و دزدی یا حتا ناچیز شمردن و بی‌اهمیت و انمود کردن آن، آن هم زمانی که بوی گند آزردهنده آن، شامه جامعه را پر کرده و ابعاد وسیع و گسترده آن، آبرویی برای نظام باقی نگذاشته است، تنها بر زبانی کسی می‌تواند جاری شود که خود دزد و فاسد و حامی دزدان و مفسدین است.

علی خامنه‌ای درست در آستانه پایان عمر ننگین خود و رژیم‌اش و در آستانه برچیده شدن نکبتی که ۴ دهه بختک‌وار بر سرنوشت مردم حاکم شده است، نه فقط از تکرار حرف‌های پوچ و بیهوده درباره دستاوردهای ۴۰ ساله جمهوری اسلامی خسته نمی‌شود، بلکه علی‌رغم آن‌که کفگیر رژیم در همه زمینه‌ها کاملاً به ته دیگ خورده و طشت افتضاحات و شکست‌ها و رسوایی‌های همه جانبه

نوشته کوتاه خارج است. اکثریت مردم زحمتکش که طی ۴۰ سال حاکمیت ننگین ارتجاع اسلامی، به فلاکت و تنگدستی و سپه‌روزی سوق داده شده‌اند و در زیر شدیدترین فشارها و تنگناهای اقتصادی و معیشتی به سر می‌برند، مرتجعین حاکم و آخوندهای فریب‌کار را می‌شناسند. اگر که به فرض پیش از این کسانی از ماهیت دستگاه روحانیت بی اطلاع بودند و با خدعه‌گری و وقاحت آخوندهای فریب‌کار و شارلاتان کاملاً آشنا نبودند، در طول این چهل سال آن‌ها را بخوبی شناخته‌اند و پیشیزی برای این حرف‌های صد تا یک غاز ارزش قائل نیستند.

درست در همین شرایطی که خامنه‌ای از پیشرفت‌های خیره‌کننده و شگفت‌آور صحبت می‌کند، ده‌ها میلیون تن از کارگران و زحمتکشان در فقر و گرسنگی بسر می‌برند. بحران رکود - توری طی ۴۰ سال حاکمیت ارتجاع اسلامی مدام عمیق‌تر شده است. افزایش مداوم نرخ تورم و گرانی پیوسته از قدرت خرید کارگران و عموم کارکنان و حقوق‌بگیران کاسته است. با دستمزدهای کارگری حتا ۲۵ درصد هزینه‌ها را نمی‌توان تامین کرد. در حالی‌که با ۵ میلیون و ۶ میلیون تومان درآمد ماهانه نمی‌توان تمام هزینه‌های زندگی را پوشش داد، درآمد میلیون‌ها کارگر و زحمتکش از ۵۰۰ هزار تومان تجاوز نمی‌کند. اکثریت قریب به اتفاق کارگران، معلمان، بازنشستگان و عموم زحمتکشان زیر خط فقر زندگی می‌کنند و حتا برای تامین خورد و خوراک روزانه با مشکلات جدی روبرو هستند. دست کم ۱۰ میلیون نفر بیکاراند و هیچ ممر درآمدی ندارند. انبوه زیادی از جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی فاقد شغل و بیکارند. خامنه‌ای در بیانیه خود، در مورد جوانان و دانشجویان دانشگاه زیاد حرف زد، اما یک کلمه نگفت چند درصد جوانان شاغل‌اند، نگفت اکثریت دانشجویان پس از اتمام تحصیل، بیکار و سرگردان می‌شوند و هیچ‌گونه چشم‌انداز و تضمینی برای اشتغال و آینده شغلی آن‌ها وجود ندارد. نگفت نرخ بیکاری در پاییز سال جاری در مورد جوانان ۲۷ درصد، در مورد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیش از ۴۰ درصد و برای زنان ۶۸ درصد بوده است.

خامنه‌ای به سبک و سیاق خمینی که جنگ را نعمت الهی و مایه خیر و برکت خواند، از "منشاء برکات بزرگ" تحریم‌ها سخن گفت، اما نگفت این تحریم‌ها چه فجایع و بدبختی‌هایی برای مردم به بار آورده است، نگفت این تحریم‌ها تا چه حدی بر ابعاد رکود افزوده است، نگفت در همین یک سال اخیر چه تعداد از کارگاه‌ها و مراکز تولیدی به کلی تعطیل شده و چند تن از کارگران و شاغلان این واحدها، شغل خود را از دست داده و به صف بیکاران ملحق شده‌اند.

خامنه‌ای به سبک دیکتاتور جانی هم‌تراز خود محمدرضا شاه از پیشرفت‌های "خیره‌کننده" صحبت کرد، اما نگفت چند میلیون کودک به خاطر فقر و نداری از تحصیل بازمانده و به عنوان کودکان کار و خیابانی آواره و سرگردان

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک  
اعتصاب عمومی سیاسی و  
قیام مسلحانه برانداخت**

## اجلاس ورشو و اپوزیسیون‌های بورژوائی جمهوری اسلامی

به مهم‌ترین اقدامات دولت آمریکا در دو، سه دهه اخیر در این منطقه نظر افکنیم، بر کسی پوشیده نیست که دولت آمریکا خود از طریق ایجاد و تقویت گروه‌ها و دولت‌های اسلام‌گرای منطقه از نمونه طالبان، القاعده و جمهوری اسلامی ایران، نخست با استراتژی کمربند سبز و سپس تجاوز و لشکرکشی نظامی به افغانستان و عراق، به قدرت رساندن گروه‌های اسلام‌گرای عراقی و افغانی، تقویت جمهوری اسلامی ایران و بعد از آن حمایت از گروه‌های اسلام‌گرای اخوان المسلمین در بهار عربی، حمایت از دولت متجاوز و سرکوبگر اسرائیل در مقابل مردم ستمدیده فلسطین، نقش مهمی را در ویران‌سازی منطقه خاورمیانه، جنگ‌ها و تقویت گروه‌های اسلام‌گرای تروریست بر عهده داشته است. چنین دولتی اکنون این ادعای موهوم را دارد که می‌خواهد از طریق این اجلاس برای برقراری صلح و امنیت در خاورمیانه تلاش کند. واقعیت اما این است که این اجلاس نه برای برقراری صلح و امنیت در خاورمیانه بلکه اساساً وسیله‌ای در خدمت سیاست آمریکا بر سر منازعه با جمهوری اسلامی ایران بود. قبلاً وزیر خارجه آمریکا نیز گفته بود که یکی از اهداف مهم برگزاری نشست، بررسی راه‌های مقابله با اقدامات ایران در منطقه خاورمیانه، اعم از برنامه موشکی، دخالت‌های تهران در کشورهای عرب و تأمین مالی تروریسم در جهان است. لذا سخنرانی معاون رئیس‌جمهوری آمریکا در اجلاس، تماماً بر این مسئله متمرکز بود. وی گفت: "جمهوری اسلامی حامی تروریست‌هایی چون حزب‌الله لبنان و حماس است. جمهوری اسلامی علنی و آزادانه یک هولوکاست دیگر را می‌خواهد راه بیندازد. در سوریه نیروهای ایرانی رژیم اسد را روی کار نگاه داشتند. در لبنان یک زرادخانه موشکی توسط ایران برای حزب‌الله ساخته شد. در یکی و عراق شورشیان از کمک ایران برخوردارند. جمهوری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای خاورمیانه جمهوری اسلامی ایران است." ظاهراً کسی هم مخالف نبود که جمهوری اسلامی ایران یک تهدید امنیتی است، گرچه بر سر راه‌های مقابله با آن در میان آن‌ها اختلاف وجود داشت. وزیر خارجه آمریکا پس از اجلاس گفت: «در آن اتاق و در این دو روز و وقتی بحث از تهدیدها شد، حتی یک نفر پیدا نشد که در دفاع از ایران چیزی بگوید. همه و حتی با برخی اختلاف‌نظرها که در میان است، در این یک مورد خاص اجماع کامل داشتند.» این یکی از اهداف مهم دولت آمریکا از این اجلاس بود.

دولت آمریکا در این اجلاس به یکی از اهداف اصلی خود که همانا افراد سیاسی بیشتر جمهوری اسلامی است، دست‌یافت و می‌تواند با تکیه بر آن فشارهای سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهد. اما یکی دیگر از اهداف دولت آمریکا از برپائی این اجلاس، نوعی قدرتمندی در برابر اتحادیه اروپا و تشدید فشار به قدرت‌های امپریالیست اروپائی برای تبعیت از سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی بود. از

همین روست که معاون ترامپ در سخنرانی خود در دومین روز این اجلاس گفت: "زمان آن رسیده که کشورهای اروپایی از برجام خارج شوند." وی البته تلاش نمود که همراهی اروپائیان را با آمریکا به نام حمایت از مردم ایران توجیه کند و افزود: "در سال ۱۳۸۸، جهان فرصت حمایت از مردم ایران و صلح جهانی را از دست داد اما نباید این بار فرصت سوزی شود. جهان باید این بار به کمک مردم ایران بیاید. اقتصاد جمهوری اسلامی ایران فروریخته است و مردم ایران در خیابان معترض هستند." این هم یک ادعای موهوم دیگر.

اما درحالی‌که این اجلاس در جریان بود، برخی از گروه‌های متحد امپریالیسم آمریکا امثال مجاهدین خلق و گروهی از سلطنت‌طلب‌ها در مقابل محل اجلاس گرد آمدند و سخنرانی برپا کردند تا تأییدی بر ادعاهای دروغین آمریکا در دفاع از مردم ایران باشد. آن‌ها با ستایش و تمجید از سیاست‌های ترامپ خواستند که دولت آمریکا برای نجات مردم ایران از شر جمهوری اسلامی اقدام کند. البته فقط این دو گروه نیستند، بلکه طیف وسیعی از به‌اصطلاح جمهوری خواهان، ناسیونالیست‌های برخی ملیت‌های ساکن ایران، گروه‌های اسلام‌گرای سنی مذهب و نئوفاشیست‌های سلطنت‌طلب فرسگردی هستند که اولاً می‌کشند به این توهم پراکنی در میان مردم ایران دامن بزنند که گویا امپریالیسم آمریکا خواهان آزادی و نجات مردم ایران از شر فجایع جمهوری اسلامی است و ثانیاً بر این پندارند که گویا اوضاع همچون چهل سال پیش است که قدرت‌های امپریالیست بتوانند به‌سادگی همان‌گونه که ارتجاع اسلامی را در ایران به قدرت رساندند، آن‌ها را به‌عنوان آلترناتیو خودشان به مردم ایران تحمیل کنند.

برخلاف ادعای این گروه‌های ارتجاعی نوکر امپریالیسم آمریکا، باید گفت: هیچ قدرت امپریالیستی در جهان وجود ندارد که از آزادی و رهایی مردم ایران دفاع کند. آن‌ها فقط در پی منافع اقتصادی و سیاسی خودشان هستند. این منافع، همواره با منافع توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران در تضاد قرار داشته است. هدف قدرت‌های امپریالیست همواره اسارت مردم ایران و برقراری یک رژیم استبدادی و سرکوبگر در ایران بوده است. از زمانی که انگلیسی‌ها رضاخان را بر سرکار آوردند، تا وقتی‌که انگلیس و آمریکا با کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضا شاه را مجدداً بر تخت سلطنت نشانند و سپس در ماجرای به قدرت رساندن جمهوری اسلامی، این حقیقت را همه‌جا به‌وضوح نشان داده‌اند. هیچ‌کس فراموش نخواهد کرد که درست در شرایطی که مردم ایران برای رهایی خود از چنگال رژیم استبدادی شاه در سال ۵۷ به انقلاب روی آوردند، قدرت‌های امپریالیست جهان و در رأس آن‌ها همین آمریکا در کنفرانس گوادلوپ تصمیم گرفتند که برای سرکوب انقلاب و به بند کشیدن مجدد مردم ایران، قدرت سیاسی به دار و دسته مرتجع و سرکوبگر منتقل گردد و تمام تلاش خود را برای تحقق آن به کار بستند. چراکه

منافع اقتصادی و سیاسی آن‌ها در ایران و خاورمیانه ایجاب می‌کند که در ایران همواره دولت‌های بورژوائی استبدادی بر سرکار باشد. اکنون هم وضع بر همین منوال است. فقط امثال روسیه، چین و اروپا نیستند که علناً از جمهوری اسلامی و برجای ماندن این رژیم فوق ارتجاعی حمایت می‌کنند. همان‌گونه که مکرر در نشریه کار توضیح داده‌شده است، آمریکا نیز به‌رغم تمام اختلافاتی که با جمهوری اسلامی داشته و دارد، هرگز خواهان برافتادن آن نبوده و نیست. آنچه دولت آمریکا از جمهوری اسلامی می‌خواهد این است که از سازمان‌دهی گروه‌های اسلام‌گرا علیه رژیم‌های طرفدار آمریکا و بی‌ثبات کردن آن‌ها دست بردارد، ادعای نابودی اسرائیل را کنار بگذارد، توسعه‌طلبی اسلامی را کنار بگذارد و به سیاست‌های آمریکا در منطقه تمکین کند. در همین اجلاس ورشو باز هم معاون ترامپ بر این نکته تأکید کرد که آنچه آمریکا می‌خواهد این است که جمهوری اسلامی از سیاست منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های تروریست اسلامی دست بردارد. او نتیجه گرفت: "تا زمانی که جمهوری اسلامی رفتارش را تغییر ندهد، ما می‌خواهیم فشار بر این رژیم را ادامه بدهیم."

بنابراین روشن است که آمریکا از جمهوری اسلامی چیزی جز تغییر رفتار در سیاست خارجی نمی‌خواهد و فشار اقتصادی و سیاسی هم برای این تغییر رفتار است و نه چیزی فراتر از آن.

این فقط کارگران و زحمتکشان ایران هستند که با تمام سیاست‌های جمهوری اسلامی و کلیت طبقه حاکم مخالفانند و با تکیه بر قدرت خود برای برانداختن آن‌ها مبارزه می‌کنند. این کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان و روشنفکران انقلابی، بی‌کاران و عموم توده‌های ستمدیده هستند که مبارزه‌های پیگیر را برای تحقق شعار کار، نان، آزادی و برپائی یک حکومت شورایی را سازمان داده‌اند. این توده‌های زحمتکش که به مبارزه‌های سرنوشت‌ساز علیه جمهوری اسلامی و تمام نظم ارتجاعی موجود برخاسته‌اند، از انقلاب شکست‌خورده سال ۵۷ تجارب فراوانی آموخته‌اند. دیگر همان توده ناآگاه و نامتشکل سال ۵۷ نیستند که قدرت‌های امپریالیست به‌سادگی بتوانند سر آن‌ها کلاه بگذارند و برای آن‌ها آلترناتیو سازی کنند. بنابراین، گروه‌های رنگارنگ بورژوائی که برای امپریالیسم آمریکا خوش‌رقصی می‌کنند و هر یک می‌کوشد خود را بهتر از دیگری مطلوب آمریکا معرفی کند، باید مطمئن باشند که اولاً- آمریکا از آن‌ها صرفاً به‌عنوان یک ابزار برای پیشبرد سیاست خود بهره می‌گیرد و ثانیاً- در مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش جایی برای آن‌ها وجود ندارد. مبارزه‌ای که از هم‌اکنون در پیشاپیش آن طبقه کارگر ایران قرار گرفته است، مستقل از این‌که کدام قدرت‌های جهانی از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند و کدامیک مخالف آن هستند، به رشد و اعتلای خود ادامه خواهد داد. فقط با قدرت توده‌های کارگر و زحمتکش است که این رژیم ارتجاعی سرنگون خواهد شد و با استقرار یک حکومت شورایی کارگری است که توده‌های مردم ایران بر سرنوشت خویش حاکم می‌شوند و می‌توانند مطالبات و اهداف خود را عملی کنند.



## عملیات انتحاری در سیستان و بلوچستان و زمینه های شکل گیری آن



که با استفاده از یک دستگاه خودرو مملو از مواد منفجره در مجاورت اتوبوس حامل یکی از یگان های قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه صورت پذیرفت" جمعی کشته و تعدادی نیز زخمی شدند. قرارگاه قدس همچنین در مورد سرنشینان این اتوبوس اعلام کرد، این افراد نیروهایی بودند که پس از اتمام ماموریت مرزبانی از منطقه در جاده خاش- زاهدان هدف حمله انتحاری قرار گرفتند..

گروه جیش العدل اما ساعاتی پس از این عملیات انتحاری با صدور بیانیه ای مسئولیت این حمله را پذیرفت و اعلام کرد که تمام ۴۰ سرنشین این اتوبوس کشته شده اند. جیش العدل که تاکنون به کرات با نیروهای سپاه و مرزبانان جمهوری اسلامی در سیستان و بلوچستان درگیری داشته و طی عملیات های گوناگون هربار تعدادی از آن ها را گروگان گرفته و یا به قتل رسانده است، از جمله گروه های مسلح و مرتجع اسلامی در سیستان و بلوچستان است که خود را "مدافع" خلق بلوچ و "اهل سنت" در این استان می داند.

حمله انتحاری روز چهارشنبه، بدون شک یکی از مرگبارترین عملیاتی بود که در سال های اخیر علیه یگان قدس سپاه پاسداران و دیگر نهادهای جمهوری اسلامی صورت گرفته است. پیش از این در تاریخ ۱۴ خرداد ۹۶ در دو حمله همزمانی که توسط تعدادی از نیروهای مسلح داعش به صحن علنی مجلس و حرم خیمینی به وقوع پیوست، ضربه سهمگینی به اقتدار سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی وارد شد. پس از آن، حمله مسلحانه دو موتور سوار به رژه نیروهای نظامی در اهواز که روز شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ (۲۲ سپتامبر) صورت گرفت، از جمله عملیاتی بود که بخش های امنیتی نظام را به سراسیمگی کشاند. حمله ای که طبق گزارش های رسمی و غیر رسمی ۲۵ نظامی و غیر نظامی از جمله ۱۲ پاسدار در آن کشته و بیش از ۶۰ نفر هم زخمی شدند. با این همه و به رغم وقوع عملیاتی از این دست که در گوشه و کنار ایران اتفاق می افتند، بیشترین عملیات مسلحانه، انتحاری و گروگان گیری طی سال های اخیر در منطقه سیستان و بلوچستان توسط گروه های مسلح اسلامی صورت گرفته است.

در میان موجی از عملیات ریز و درشت مسلحانه که در دو سال گذشته توسط "جیش العدل" علیه پاسداران و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در منطقه سیستان و بلوچستان صورت گرفته است، عملیات گروگانگیری مرزبانان رژیم در میرجاوه و نیز حمله انتحاری روز ۱۳ بهمن ماه جاری دو نمونه برجسته ای هستند که تمامی تبلیغات امنیتی رژیم را نقش بر آب کرده و به نحو آشکاری روشن ساخت که بر خلاف همه جار و جنجال هایی که مسئولان سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از وجود "اقتدار" نظام و بودن امنیت "کامل" در تمام سطوح کشور به راه انداخته اند، این رژیم تا چه حد در فقدان امنیت بسر می برد. از ده ها عملیاتی که طی ماه های گذشته در نقاط مختلف سیستان و بلوچستان انجام شده که بگذریم، دست کم دو عملیات، یکی عملیات گروگانگیری ۴ پاسدار و ۳ مرزبان جمهوری اسلامی در قرارگاه میرجاوه در سحرگاه ۲۴ مهرماه ۱۳۹۷ که همگی مرزبانان در خواب بوده و بدون کمترین درگیری نظامی توسط نیروهای "جیش العدل" به گروگان گرفته شدند و نیز حمله انتحاری اخیر "جیش العدل" به اتوبوس حامل ۴۰ نفر از افراد یگان های قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران، از جمله عملیات هایی بوده اند که در کمترین حالت، رسوایی امنیتی را برای جمهوری اسلامی در منطقه سیستان و بلوچستان رقم زده اند. مضافا اینکه انجام این دو عملیات به نوعی بازگو کننده نفوذ اطلاعاتی "جیش العدل" در میان نیروهای قدس سپاه پاسداران است. انجام اینگونه اقدامات مسلحانه و انتحاری در دو سال گذشته از جمله عملیات متداول "جیش العدل" و دیگر گروه های مسلح اسلامی در منطقه سیستان و بلوچستان بوده

اند. حملاتی که بر بستر اعمال سیاست های تبعیض آمیز و تحمیل شرایط غیر قابل تحمل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی طبقه حاکم بر توده های محروم سیستان و بلوچستان شکل گرفت، روز بروز رشد بیشتری یافت و اکنون با توجه به تشدید سرکوب و فقر و فلاکت غیر قابل تصویری که بر توده های این منطقه حاکم است، شرایط بهتری برای گروه های مرتجع اسلامی همچون "جیش العدل" فراهم کرده تا از میان جوانان بیکار، محروم و سرخورده این منطقه افراد بیشتری را عضوگیری و برای عملیات انتحاری آماده کند. نیروهای واپسگرایی که بر بستر سرکوب و نارضایتی عمومی از جمهوری اسلامی، منافع توده های محروم و ستمدیده سیستان و بلوچستان را وجه المصلحه اهداف ارتجاعی، ناسیونالیسم مذهبی و قرون وسطایی خود کرده اند. نیروهای عقب مانده و واپسگرایی که به لحاظ سیاسی و باورهای ارتجاعی از جنس القاعده، طالبان و جمهوری اسلامی هستند و حتی در مواردی از سران فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی هم مرتجع ترند. آنچه اکنون در سیستان بلوچستان در شرف تکوین است، کمترین سازگاری با منافع کارگران و توده های زحمتکش این منطقه ندارد. توده های محروم سیستان و بلوچستان نخست باید بر زمینه های شکل گیری اینگونه جریانهای ارتجاعی و واپسگرایانه در منطقه آگاه باشند و بدانند که درگیری نیروهایی همچون "جیش العدل" با جمهوری اسلامی تعارض میان دو ارتجاع مذهبی است. تعارضی که نه تنها هیچ ارتباطی با منافع زحمتکشان این منطقه مرزی ندارد، بلکه بیشترین صدمات و فشارها را نصیب همان توده های محروم و فقر زده سیستان و بلوچستان خواهد ساخت.

## عملیات انتحاری در سیستان و بلوچستان و زمینه های شکل گیری آن

تردیدی نیست که ۴۰ سال عملکرد سرکوبگرانه و تبعیض آمیز جمهوری اسلامی عامل اصلی شکل گیری وضعیت موجود در این منطقه است. در واقع این حاکمان اسلامی بوده اند که با سرکوب و اعمال تبعیضات مداوم سیاسی، اقتصادی و مذهبی، زمینه های مادی شکل گیری و رشد گروه های مرتجعی از قبیل "جیش العدل" را فراهم کرده اند. پوشیده نیست در دوران حاکمیت ارتجاع اسلامی به رغم اینکه تمامی توده های مردم ایران به طور وحشیانه سرکوب و از ابتدایی ترین حقوق دمکراتیک و آزادی های فردی و اجتماعی خود محروم بوده اند، اما ستمی که طی ۴۰ سال گذشته بر مردم سیستان و بلوچستان رفته، فقر و فلاکتی را که آنان در این سال ها تجربه کرده اند، بسیار فزونتر از مناطق دیگر بوده است. جوانان و کودکان این استان از حداقل امکانات شغلی، رفاهی، بهداشتی، درمانی و آموزشی محرومند. در این منطقه ده ها هزار انسان زندگی می کنند که اساسا شناسنامه ندارند تا فرضا بتوانند حتی از همان یارانه ناچیز استفاده کنند. امکانات آموزشی در این استان آن چنان محدود است که اگر کلاسی هم در مناطق روستایی دایر شود، در کپرها و وسط بیابان است. وضعیت مدارس آنچنان اسفبار است که به گفته مدیرکل نوسازی مدارس این استان، "۷۰٪ مدارس خشت و گلی در سیستان و بلوچستان وجود دارد".

بر کسی پوشیده نیست که مردم سیستان و بلوچستان اکنون در فقر و تبعیضی بی نظیر دست و پا می زنند. توده های محروم این استان به دلیل داشتن اعتقادات مذهبی "اهل سنت" همواره با اعمال شدیدترین تبعیضات سیاسی، اقتصادی و مذهبی مواجه بوده اند. درصد بیکاری در این استان سرآمد دیگر مناطق کشور است. جوانان بیکار این منطقه برای امرار معاش و تداوم زندگی بعضا یا به قاچاق مواد مخدر کشیده می شوند و یا در ساده ترین حالت به "قاچاق" بنزین و گازوئیل جهت انتقال به آن سوی مرز روی آورده اند. شیوه ای از امرار معاش که اکنون به راه کار متداول اغلب جوانان بیکار و انبوه مردم فقر زده سیستان و بلوچستان تبدیل شده است. راه کاری پرخطر که اغلب با تعقیب و گریز سرکوبگران جمهوری اسلامی مواجه بوده و هر از چند گاهی خبر کشته شدن آنان توسط شلیک نیروی های پلیس جمهوری اسلامی در رسانه ها منتشر می شود.

با این همه و در چنین وضعیتی اسفبار که بر

سیستان و بلوچستان حاکم است، خامنه ای، رهبر شارلاتان جمهوری اسلامی از جابجایی یکسان "خدمت" و "ثروت" در تمام استان های کشور سخن می گوید. او که انگار از کره مریخ به زمین آمده و بر تخت رهبری نشسته است، به مناسبت چهلمین سالگرد جمهوری اسلامی با وقاحتی بی نظیر اعلام کرد: جمهوری اسلامی در شمار موفق ترین حاکمیت های جهان در جابجایی خدمت و ثروت از مرکز به همه جای کشور، و از مناطق مرغه نشین شهرها به مناطق پائین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه سازی و خانه سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور حقیقتا افتخارآفرین است". (تاکید از ما است). البته از خامنه ای که خود مسبب همه تبعیضات و فقر و فلاکت حاکم بر جامعه است، انتظاری غیر از این نیست. این رهبر شارلاتان حتا اگر اینگونه دروغ بافی ها را جهت تطهیر خود و روحیه دادن به عناصر درون نظام گفته باشد، لاف آن پاسدارانی که برای تحقق منویات سرکوبگرانه خامنه ای مردم سیستان و بلوچستان را به گلوله می بندند، اکنون دیگر باید فهمیده باشند که رهبرشان تا چه حد شارلاتان، دروغ گو و لاف زن است. لذا، وقتی در دو طرف این نزاع موجود که اکنون در سیستان و بلوچستان جاری است، در یک طرف آن شارلاتان وقیحی همچون خامنه ای و نظام ارتجاعی حاکم بر ایران قرار دارد و در طرف دیگر آن نوع دیگری از ارتجاع اسلامی همانند "جیش العدل"

صف آرایبی کرده اند، نتیجه این نزاع ارتجاعی برای توده های محروم و فقر زده منطقه سیستان و بلوچستان از پیش روشن است. "جیش العدل" و نیروهای مشابه آن که به لحاظ مالی و تسلیحاتی از عربستان و دیگر کشورهای سنی مذهب منطقه تامین می شوند، هرگز به فکر تامین رفاه، امنیت و آسایش مردم محروم سیستان و بلوچستان نیستند. جریاناتی از این دست در بهترین حالت سرنوشتی مشابه دوران حاکمیت القاعده و طالبان در افغانستان را برای کارگران و توده های زحمتکش این منطقه در سر می پروراندند. بنابر این در چنین وضعیتی که بر کشور حاکم است، در شرایطی که کارگران و دیگر لایه های زحمتکش مردم ایران برای سرنوشتی انقلابی جمهوری اسلامی به تحرک و جنب و جوش در آمده اند، راه رهایی و نجات جوانان و توده های فقر زده سیستان و بلوچستان نه در همراهی با گروه های واپسگرا و مرتجعینی همچون "جیش العدل" که در همگامی و همسو شدن آنان با مبارزات عمومی کارگران و توده های زحمتکش ایران است. مبارزاتی که از دیماه ۹۶ وارد مرحله نوینی شده است. مبارزاتی که با بیان شعارهایی همانند، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر دیکتاتور" و "اصلاح طلب، اصولگرا-دیگه تموم ماجرا" در مسیر نفی کلیت نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و پس از آن با تبیین شعار "نان، کار، آزادی- اداره شورایی" بدیل جمهوری اسلامی را نیز پیش پای همگان قرار داد. شعاری که بیان دیگری از شعار "کار، نان، آزادی - حکومت شورایی" است. شعاری که رهایی تمامی کارگران و زحمتکشان ایران از جمله توده های محروم و فقر زده سیستان و بلوچستان در گرو تحقق آن است.



## دستگاهی ستمگر و پاسدار جمهوری اسلامی

از شکنجه و انعکاس وسیع آن در سطح جامعه، می‌توانست همراهی بیشتر کارگران و زحمتکشان و وجدان آگاه جامعه را بدنبال آورده و بیش از پیش به ضرر رژیم تبدیل شود. دوم این‌که با بازداشت مجدد آن‌ها، رژیم بدنبال آن است تا با گرفتن اعترافات ساختگی مجددی، آن هم در زیر شکنجه و در نبود وکیل انتحابی، پرونده سنگینی برای صدور حکم زندان طولانی مدت آن‌ها فراهم سازد.

صد البته که این موارد چیز جدیدی در دستگاه قضایی رژیم نیست. در تمام سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی، ما شاهد تشکیلاتی تحت عنوان قوه قضاییه بودیم که نقش مهمی در سرکوب، حفظ و حتی در سال‌های دهه اول حاکمیت جمهوری اسلامی در تحکیم پایه‌های حکومت داشته است.

دستگیری و اعدام رفیق فدایی سعید سلطانپور هنرمند، نویسنده و شاعر بزرگ کارگران و زحمتکشان و دبیر کانون نویسندگان ایران، یک نمونه از ده‌ها هزار نمونه است. رفیق سعید سلطانپور ۲۷ فروردین سال ۶۰ در شب عروسی‌اش دستگیر و ۳۱ خرداد و در حالی که تمام مدت بازداشت را در سلول‌های انفرادی بود، بدون وکیل، و دیگر حقوق ابتدایی یک زندانی به دست جلاخان جمهوری اسلامی اعدام شد! آن هم در شرایطی که بسیاری از نویسندگان و هنرمندان ایران و جهان پس از دستگیری وی خواستار آزادی او شده بودند. دادگاه صحرایی رفقای فدایی توماج، مختم، واحدی و جرجانی و اعدام آن‌ها در کمتر از ۲۴ ساعت پس از دستگیری در ۲۹ بهمن ۵۸ یک نمونه دیگر است. در آن سال‌ها بسیاری از زندانیان سیاسی تنها چند روز پس از دستگیری به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. بسیاری از رفقای ما از لحظه دستگیری تا اعدام تنها در سلول‌های انفرادی و در زیر شکنجه بودند و تنها زمانی که جلاخان رژیم دریافتند که اطلاعاتی از آن‌ها بدست نمی‌آورند، آن‌ها را به جوخه‌های اعدام سپردند، رفیق منصور اسکندری یک نمونه است. در کردستان بسیاری از رفقای ما به همین شکل و در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای اعدام شدند، یوسف کتشی‌زاده، احسن ناهید، شهریار ناهید، هرمز گرجی بیانی، شهلا و نسرين کعبی تنها چند تن از دلیران و فداییانی بودند که توسط دستگاه قضایی جنایتکار جمهوری اسلامی به همین شیوه اعدام شدند. بسیاری نیز در آن سال‌ها در زیر شکنجه به خیل جانفشاندگان پیوستند. رفیق توکل اسدیان یک نمونه است که

جلاخان رژیم پس از قتل او جسدش را به آتش کشیدند.

برجسته‌ترین نمونه اما بدون تردید کشتار هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۶۷ است که تنها به خاطر اعتقاداتشان در دادگاه‌هایی که حداکثر سه تا چهار دقیقه طول می‌کشید به اعدام محکوم و کشتار شدند. زندانیان سیاسی که در تابستان ۶۷ اعدام شدند نه تنها از حق داشتن وکیل محروم بودند، نه تنها کیفرخواستی وجود نداشت، بلکه حتی در زمان حضور در دادگاه از این که محاکمه می‌شوند نیز آگاهی نداشتند. آن‌ها که به دلایلی در همان سیستم ظالمانه جمهوری اسلامی به چند سال زندان محکوم شده و برخی حتی دوران محکومیت‌شان بسر آمده بود، در تابستان ۶۷ تنها به دلیل عقایدشان به دار آویخته شدند.

امروز هم با همان دستگاه قضایی رویرو هستیم، چیزی در جمهوری اسلامی تغییر نکرده، اگر هم تغییری در روش‌ها صورت گرفته و جمهوری اسلامی در مواقعی مجبور شد در ظاهر - یعنی تنها در شکل - تغییراتی در روش‌ها ایجاد کند، به دلیل شرایط جامعه و تغییراتی است که در جامعه و حتی جهان صورت گرفته است. مثلاً اگر در سال‌های دهه ۶۰ و در زمانی که جنگ ایران و عراق جریان داشت و وسایل ارتباط جمعی به شکل امروزی آن نبود، بسیاری از جنایات در بی‌خبری محض جامعه صورت می‌گرفت اما امروز دیگر جمهوری اسلامی نمی‌تواند بسیاری از این اخبار و جنایات را از چشمان مردم پنهان نگاه دارد. برای همین در روش‌ها تغییراتی ایجاد می‌کند اما اهداف و ماهیت دستگاه قضایی نه تنها هیچ تغییری نکرده، بلکه حتی می‌توان گفت دستگاه قضایی پس از سال‌ها تجربه امروز با هدف‌تر وظایف خود را برای حفظ جمهوری اسلامی پیش می‌برد.

برای نمونه وقتی که قتل محمد مختاری، محمدجعفر پوینده، داریوش فروهر و پروانه اسکندری در آذرماه سال ۷۷ در جامعه انعکاس زیادی یافت و رژیم با انداختن تقصیر به گردن عناصر درجه سوم و در واقع اجرایی و نه تصمیم‌گیرنده، محاکمه‌ای نمایشی برای دستگیرشدگان ترتیب داد، ناصر زرافشان وکیل مبارز از سوی خانواده‌های مختاری و پوینده به عنوان وکیل آن‌ها انتخاب شد. ناصر زرافشان تمام تلاش خود را به عنوان وکیل و کسی که وظیفه‌اش روشنی بخشیدن به حقیقت این قتل‌ها و مشخص ساختن آمران و عاملان این قتل‌ها بود انجام داد، قتل‌هایی که به قتل‌های

زنجیره‌ای معروف شدند. اما نتیجه تلاش ناصر زرافشان صدور محکومیت ۵ سال زندان برای او بود، آن‌هم با پرونده‌ای ساختگی. ناصر زرافشان به جرم "داشتن اسلحه و مشروبات الکلی!!" به ۵ سال زندان محکوم شد. او پس از ۵ سال و در حالی که همه عوامل وزارت اطلاعات که در این جنایت دست داشتند از زندان آزاد شده بودند، از زندان آزاد گردید!! ناصر زرافشان اما تنها وکیلی نیست که به این سرنوشت دچار شد. عموم وکلایی که در این سال‌ها تلاش داشته و دارند تا از حق و حقوق زندانیان سیاسی و کارگران مبارز دفاع کنند به همین سرنوشت دچار شده و در آینده نیز دچار خواهند شد. نسرين ستوده یکی از همین وکلای شجاعی‌ست که هم اکنون به دلایل واهی در زندان بسر می‌برد. عبدالفتاح سلطانی یکی دیگر از این وکلا بوده و هست. محمد نجفی یکی دیگر از این وکلایست که به دلیل پیگیری پرونده قتل وحید حیدری از جوانانی که در اعتراضات دی‌ماه سال گذشته در اراک دستگیر و در اثر شکنجه در زندان درگذشته بود، دستگیر شد.

احضار فرزانه زیلابی وکیل اسماعیل بخشی به دادگاه تحت عنوان مطلع یک نمونه دیگر برای ترساندن و تحت‌فشار قرار دادن وکلایست. آن‌هم وکیلی که به دلیل موانعی که بر سر فعالیت وکلا ایجاد شده، عملاً هیچ دفاعی نمی‌تواند از موکل خود بکند، جز مقداری اطلاع‌رسانی.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به عنوان بخش مهمی از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی وظیفه دارد تا زندانیان سیاسی از کارگر و معلم تا جوانان، زنان و روشنفکران را که به دلیل مبارزات‌شان با این رژیم سفاک دستگیر می‌شوند، با بهره‌گیری از زندان (بویژه سلول‌های انفرادی) و شکنجه، برگزاری دادگاه‌های نمایشی با محروم کردن آن‌ها از حق داشتن وکیل و بالاخره صدور احکام زندان و اعدام و مجبور ساختن‌شان به شرکت در نمایش‌های سوخته با اعترافات ساختگی در هم بشکنند و به این ترتیب ضمن ایجاد رعب در دل پیشروترین بخش‌های جامعه، نیروهای پیشرو و مبارزی را که دستگیر شده‌اند، از چرخه‌ی مبارزه با رژیم خارج سازد.

رژیم و دستگاه قضایی آن نشان داده‌اند که برای پیشبرد این هدف، هیچ مانعی در برابر خود نمی‌بینند. ۱۳۳ هزار امضا در حمایت از زندانیان محیط زیستی و نامه جمعی از وکلا در اعتراض به دستگیری مجدد بخشی، محکومیت هر ساله جمهوری اسلامی در سازمان ملل به دلیل نقض حقوق بشر،

## دستگاهی ستمگر و پاسدار جمهوری اسلامی

هیچکدام نتوانسته و نخواهد توانست جمهوری اسلامی را از هدف اصلی خود در سرکوب وحشیانه بخش پیشروتر جامعه بازدارد.

اما این که دستگاه قضایی رژیم همراه با دیگر دستگاه‌های سرکوب جمهوری اسلامی همچون سپاه، وزارت اطلاعات و غیره در ماه‌های اخیر بر شدت سرکوب افزوده و این را به طور مثال در نوع برخورد با اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و فعالان محیط زیست می‌بینیم بیش از هر چیز نتیجه‌ی اعتلای مبارزات توده‌هاست. رژیم با تشدید سرکوب به عنوان مهم‌ترین ابزاری که برای مقابله با گسترش اعتراضات توده‌ای در دست دارد، به مقابله با مبارزات توده‌ها برخاسته است. اما همین که رژیم جز سرکوب ابزار موثر دیگری برای مقابله با اعتراضات توده‌ها ندارد، از سوی دیگر بیانگر ضعف و به آخر خط رسیدن رژیم است.

جمهوری اسلامی هرگز با بحرانی چنین عمیق و همه‌جانبه روبرو نبوده، بحرانی که بی‌شک تنها یک پاسخ برای آن وجود دارد و آن انقلاب است. انقلابی که با در هم شکستن دولت بورژوائی و استقرار یک دولت شورائی، مناسبات موجود را دگرگون خواهد کرد. این تنها پاسخ واقعی به بحران همه‌جانبه کنونی است. تنها پاسخی که برای بحران‌های همه‌جانبه کنونی راه‌حلی واقعی و عملی دارد.

## اطلاعیه مهم تلویزیون دموکراسی شورایی

رفقا، دوستان، همراهان گرامی!

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی komalaTV/shoraTV پخش خواهد شد. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی komalaTV/shoraTV بدین قرار می‌باشد:

ماهواره یاه‌سات

satellite yahsat

فرکانس: ۱۱۹۵۷

frequency 11957

سیمبل ریت ۲۷۴۸۰

symbol rate 27480

پولاریزاسیون عمودی

Polarization vertical

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی در روزهای هفته بدین قرار است:

روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳ و روز شنبه از ساعت ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۲

بازپخش برنامه‌های دموکراسی شورایی در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه و شنبه و در ساعات ذیل خواهد بود:

۳۰:۳۰ بامداد تا ۳۰:۵ بامداد

۳۰:۹ صبح تا ۳۰:۱۱ صبح

۳۰:۱۵ بعدازظهر تا ۳۰:۱۷ بعدازظهر

روز یکشنبه نیز باز پخش برنامه‌های دموکراسی شورایی از این قرار است:

۳۰:۳ الی ۳۰:۴ بامداد

۳۰:۹ صبح تا ۳۰:۱۰ صبح

۳۰:۱۵ بعدازظهر تا ۳۰:۱۶ بعدازظهر

لازم به توضیح است که پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بر روی تلویزیون دیدگاه تا پایان ماه فوریه به روال سابق ادامه خواهد داشت. آخرین برنامه ما بر روی تلویزیون دیدگاه چهارشنبه ۲۷ فوریه برابر با ۸ اسفند پخش خواهد شد و بازپخش آن بر روی همین شبکه پنج‌شنبه ۲۸ فوریه برابر با ۹ اسفند خواهد بود.

تلویزیون دموکراسی شورایی

اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ۱۳۹۷





## دستگاهی ستمگر و پاسدار جمهوری اسلامی

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 811 February 2019

از پخش به اصطلاح مستند "طراحی سوخته"، بار دیگر دستگیر شده و مجدداً تحت شکنجه قرار گرفتند. بی‌خبری از وضعیت آن‌ها و عدم دسترسی وکیل از نشانه‌های روشن ادامه شکنجه اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در بازداشت است. حق داشتن وکیل انتخابی از لحظه دستگیری یکی از بدیهی‌ترین حقوق یک متهم است که امروز در اکثریت بسیار بزرگ کشورها به رسمیت شناخته شده و به آن عمل می‌شود. در ایران عدم حضور وکیل در مراحل بازجویی به دلیل اعمال شکنجه از سوی بازجویان است. دستگیری مجدد اسماعیل بخشی و سپیده قلیان با دو هدف مشخص انجام شد، اول این‌که رژیم می‌دانست با پخش آن به اصطلاح مستند، بار دیگر اسماعیل بخشی و سپیده قلیان واکنش نشان داده و صد البته واکنش آن‌ها ضمن افشای ابعاد جدیدی

در صفحه ۶

را برعهده داشتند. محمد حسین آقاسی تنها وکیل انتخابی که وکالت طاهر قدیریان و سام رجبی را برعهده داشت، به دلیل آن‌که مورد تایید رئیس قوه قضاییه نیست از شرکت در جلسات دادگاه محروم شد و حتا فشار از سوی شکنجه‌گران جمهوری اسلامی به سام رجبی به اندازه‌ای شد که وی مجبور گردید به صورت تلفنی وکیل انتخابی خود را عزل کند.

یک سال بازداشت موقت!!، دادگاه غیرعلنی و نداشتن حق انتخاب وکیل سه فاکتوری هستند که به روشنی غیرعادلانه بودن "محاکمه" فعالان محیط زیست را آشکار می‌کند. این فاکتورها نشان می‌دهند که "دادگاه" تنها نمایشی برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی بوده و محکومیت فعالان محیط زیست و حتا میزان آن از قبل مشخص شده است.

اسماعیل بخشی و سپیده قلیان نیز که در بازداشت اول و در زیر شکنجه‌های جسمی و روحی فراوان به اعترافات ساختگی تن داده بودند، بعد



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

**مشخصات ماهواره:**

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵/۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

**اینترنت:**

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید.

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

[www.didgah.tv](http://www.didgah.tv)

[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فداییان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهنت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**